



The Effect and Role of Fundamental Rights in Guaranteeing Citizenship Rights

تأثیر و نقش حقوق اساسی در تضمین حقوق شهروندی

Masoume Heydari

Master of Public Law, Tolo Mehr Institute of Higher Education, Qom, Iran

معصومه حیدری

کارشناس ارشد حقوق عمومی، مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم، ایران
masoumeheydari20@yahoo.com

Abstract

Citizenship rights are one of the intellectual foundations of democracy and the basic concepts of democratic life. Citizenship is a category that is tied to the concept of the culture of each society and the culture of each border and environment is derived from the three basic realms of social activities, the political environment and the economic status of that society. In a civil society, the rights of an individual include: fundamental rights, meaning the fundamental rights of the citizens of a society, political rights, meaning the right to participate in political processes, social rights, which include economic rights and minimum standards of living in social facilities. The degree of observance and attention to citizen's rights in any country can be measured by the scale of legislative assemblies and other legislative bodies. In this regard, citizenship rights, as one of the most obvious individual and group rights, has a significant contribution to the feeling of social justice, so that the degree of observance of citizenship rights in the society is considered a suitable criterion for measuring social, political, economic and cultural inequalities. In general, respect for the rights of citizens and their observance and guarantee in a society far from color, language, race, ethnicity and religion have always been emphasized, especially in the Islamic society of Iran, whose foundations are laid according to the standards of Islam. Today, citizenship rights and attention to political and civil rights, economic, social, and cultural rights and freedoms, judicial rights of members of the society are one of the inseparable elements of every constitution, and the need to pay attention and protect citizenship rights in the numerous principles of the fifth chapter (Laws nation) the constitution of the republic is clearly stated. Therefore, the main meaning of citizenship rights is to observe and preserve the rights of individuals and human beings in the larger part of society, and citizens should enjoy all rights, including political and civil rights, judicial rights, economic and welfare rights.

Keywords: Constitution, Citizenship Rights, Political Rights, Social Rights, Nation's Rights.

چکیده

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. شهروندی مقوله‌ای است که با مفهوم فرهنگ هر جامعه گره خورده و فرهنگ هر مرزوبوم ناشی از سه قلمرو اساسی فعالیت‌های اجتماعی، فضای سیاسی و وضعیت اقتصادی آن جامعه است. در یک جامعه مدنی حقوق یک فرد عبارتند از: حقوق اساسی به معنی حقوق بنیادی شهروندان یک جامعه، حقوق سیاسی به معنای حق مشارکت در فرایندهای سیاسی، حقوق اجتماعی که دربرگیرنده حقوق اقتصادی و نیز حداقل‌های استانداردهای زندگی در تسهیلات اجتماعی است. میزان رعایت و اهتمام به حقوق شهروندی در هر کشوری را با مقیاس مجالس قانون‌گذاری و سایر ارکان قانون‌گذاری می‌توان سنجید. در این راستا حقوق شهروندی به‌عنوان یکی از بدیهی‌ترین حقوق فردی و گروهی سهم به‌سزایی در احساس عدالت اجتماعی را دارا می‌باشد، به طوری که میزان رعایت حقوق شهروندی در جامعه ملاک و معیار مناسبی جهت سنجش ناپرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی محسوب می‌شود. به طور کلی احترام به حقوق شهروندی و رعایت و تضمین آن در یک جامعه به دور از رنگ و زبان و نژاد و قومیت و مذهب همواره مورد تأکید قرار گرفته، علی‌الخصوص در جامعه اسلامی ایران که مینا و پایه‌های آن بر طبق موازین اسلام نهاده شده و امروزه حقوق شهروندی و توجه به حقوق سیاسی و مدنی، حقوق و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق قضائی افراد جامعه یکی از عناصر تفکیک‌ناپذیر هر قانون اساسی بوده و لزوم توجه و صیانت از حقوق شهروندی در اصول متعدد فصل پنجم قانون اساسی جمهوری به صراحت آمده است. بنابراین معنای اصلی حقوق شهروندی رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است و شهروندان باید از همه حقوق ازجمله حقوق سیاسی و مدنی، حقوق قضایی، حقوق اقتصادی و رفاهی برخوردار باشند.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، حقوق شهروندی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، حقوق ملت.

Received: 2023/09/01 - Review: 2023/11/03 - Accepted: 2023/12/12

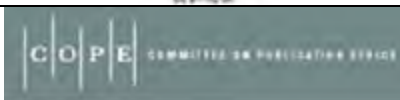
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

ارجاع:

حیدری، معصومه؛ (۱۴۰۲)، تأثیر و نقش حقوق اساسی در تضمین حقوق شهروندی، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

مهم‌ترین بحث در حقوق شهروندی، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات است. در این راستا قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین منبع قانونی که اصول اساسی حقوق یک ملت-دولت در آن تبیین شده و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرت‌های عمومی و... را بیان می‌نماید، متضمن قواعد کلی درخصوص جنبه‌های حمایتی از حقوق شهروندی است. قانون اساسی ایران با الهام از آموزه‌های دینی، به تبیین روابط متقابل دولت و شهروندان به خصوص در حوزه آزادی‌ها پرداخته و با استناد به منابع اصیل دینی، می‌توان اصول شهروندی در قانون اساسی را بیان داشت (پروین و فرج پور اصل مرندی، ۱۳۹۴، ۵۷). در اصل بیست و ششم قانون اساسی با به رسمیت شناختن تشکیل و فعالیت احزاب و جمعیت‌ها که ناشی از اوصاف اجتماع‌پذیری انسان‌ها است، شهروندان را قادر می‌سازد تا اشخاصی که دارای تمایلات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... هستند، در کنار یکدیگر قرار گرفته و به‌عنوان یک توده نیرومند، با حاضر شدن در صحنه‌های مختلف در احقاق حقوق و آزادی‌های خود در محیط سایر در تلاش و تکاپو باشند. همچنین به موجب اصل بیست و هفتم قانون اساسی در هنگام بیان مطالبات یا اعتراضات یا دفاع از حقوق خویش با تشکیل نهادهای مدنی و راهپیمایی‌های قانونی به جلب افکار عمومی و رعایت و حفظ حقوق قانونی را به نمایش می‌گذارند (جعفری تیریزی، ۱۳۹۰، ۱۱۸).

قانون اساسی هر کشوری به نحوی نشان‌دهنده فرهنگ حاکم بر آن جامعه چه از نظر فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... است، که مورد تأیید افراد جامعه می‌باشد که در وهله اول باید چتر حمایتی خود را از نظر سیاسی و آزادی‌های فردی بر سر افراد جامعه خود برافراشته کند، زیرا تاریخ اثبات کرده است که هر جامعه‌ای از نظر سیاسی و توجه به آزادی‌های فردی و حقوق شهروندان خود موفق باشد در سایر مسائل نیز موفق خواهد شد. محوریت داشتن عدالت، آزادی فردی و اجتماعی، حق بهره‌مندی از آموزش رایگان، حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در قالب قانون اساسی، ضامنی برای تحقق آموزش حقوق شهروندی محسوب می‌شوند. بنابراین جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در آموزش حقوق شهروندی می‌بایست از جایگاه مؤثرتری برخوردار گردند و حتی به شیوه‌های مذهبی و در قالب مؤسسات و نهادهای خیریه می‌توانند باعث ترویج حقوق شهروندی در ابعاد نظری و عملی گردند. آموزش‌های ضمن خدمت در مدارس و دانشگاه‌ها یک ضرورت اساسی برای تضمین حقوق شهروندی و به منصفه ظهور رساندن حقوق شهروندی منبعث از قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی است (اردلان و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۶۰).

محتوای قانون اساسی در رابطه با حقوق شهروندی به سه دسته تقسیم می‌شود: حقوقی که بدون قید و شرط حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود که بیشترین اصول^۱ به حقوق شهروندی مربوط می‌شود، مانند تأمین امنیت قضایی عادلانه شهروند، مسکن، انتخاب شغل. قوانینی است که در متن اصل قانون مقید و محدود شده که قید حکم به قانون تعیین گردیده است.^۲ قوانینی که ناظر بر (حقوق مشروط) شهروندان است که در متن قانون لحاظ شده است مانند عدم نقض، استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران. در قانون اساسی مرجع مشخصی در برابر تخلف و نقض حقوق شهروندی پیش‌بینی نشده است، اگرچه دادگستری و دادگاه‌های عمومی مرجع رسمی تظلمات هستند (خانی و مظهری، ۱۳۹۹، ۲۰۴) بر این اساس، جامعه‌ای که برای شهروندان خود ارزش قائل شود به طور متقابل شهروندان نیز به قانون کشورشان احترام گذاشته و از آن تمکین خواهند کرد که این همکاری سبب پیشرفت جامعه خواهد گردید. بنابراین در این پژوهش تأثیر و نقش حقوق اساسی در تضمین حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- شانزده اصل

۲- هفت اصل

۱- حقوق شهروندی در قانون اساسی

قانون اساسی و اصول مندرج در آن باید در خدمت هدف و رسالت ذاتی قانون اساسی که همان تحدید قدرت در راستای تضمین حقوق شهروندی و بنیادین مردم است باشد (دبیرنیا و شجاعی، ۱۴۰۰، ۱۵۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته و مهم‌ترین حقوق شهروندی که قانون اساسی مقرر نموده است عبارتند از: برخورداری از حقوق مساوی؛ اصل امنیت فردی؛ اصل مصونیت مسکن و محل سکونت؛ اصل عدم تعرض به مکاتبات؛ اصل ممنوعیت تفتیش عقاید؛ اصل حقوق قضایی شهروندی؛ اصل برائت؛ اصل آزادی اخبار و اطلاعات؛ اصل آزادی‌های سیاسی و اجتماعی؛ اصل حرمت مالکیت؛ حق تابعیت و تغییر آن.

۱-۱- برخورداری از حقوق مساوی

در اصل نوزدهم قانون اساسی آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد شد.» این اصل نافی هرگونه امتیازات طبقاتی، قومی و نژادی است. مساوات مندرج در اصل نوزدهم عمدتاً به مساوات در برابر قانون و برخورداری از حمایت قانونی از تمام آحاد جامعه صرفنظر از پایگاه قومی، طبقاتی و نژادی است. مساوات مندرج در اصل نوزدهم عمدتاً به مساوات در برابر قانون و برخورداری از حمایت قانونی از تمام آحاد جامعه صرفنظر از پایگاه قومی، طبقاتی و نژادی است. پیروان ادیان توحیدی که قانون اساسی آن‌ها را احصاء نموده است نیز مانند اکثریت مسلمان باید مورد حمایت قانون قرار گیرند و از حقوق شهروندی برخوردار گردند.

منظور از حقوق مساوی مندرج در اصل نوزدهم، تساوی حق تمتع نیست، زیرا از نظر قوانین اسلامی برخورداری از حق تمتع برای خود مسلمانان نیز در مواردی مانند ارث و دیات بر اساس جنسیت متفاوت بوده، همچنان که برای اقلیت‌ها نیز بر طبق قوانین مربوط به احوال شخصیه نیز گاه حقوق مزبور متفاضل است. روح حاکم بر اصل نوزدهم برخورداری تمام شهروندان به صورت مساوی از حمایت‌های قانونی است. بر این اساس، در این اصل از واژه «مردم ایران» فارغ از نژاد و قومیت و زبان و دین سخن گفته شده است. اصل برخورداری از حقوق مساوی در مقابل قانون که مصادیق آم متنوع و تبیین آن با قوانین عادی است، یکی از اصول مهم در حقوق شهروندی به‌ویژه در دفاع از حقوق اقلیت‌ها در جهان محسوب می‌شود (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸، ۳). «در اصل بیستم آمده است: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان

در حمایت قانون قرارداددند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.»

۱-۲- اصل امنیت فردی

این اصل در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در اصل سی و دوم قانون اساسی آمده است: هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر به متهم، ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، بلافاصله کتباً پرونده مقدماتی برای مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد متخلف از این اصل مطابق قانون مجازات می‌شود. اصل امنیت فردی به‌عنوان یکی از ارکان مهم حقوق شهروندی با مجموعه‌ای از مقررات دیگر جهت تضمین این اصل تکمیل شده است. به‌عنوان مثال، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل عدم عطف به ما سبق شدن قانون، اصل علنی بودن محاکمات و حضور و کیل در مراحل بازپرسی و دادرسی و رسیدگی به جرایم بزرگ و مهم توسط هیأت منصفه که همگی در قانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است.

۱-۳- اصل مصونیت مسکن و محل سکونت

حق آزادی در انتخاب محل سکونت از حقوق شهروندی محسوب شده و انتخاب محل سکونت و نقل و انتقال بر اساس میل و اراده افراد اصولاً انجام می‌شود. البته این اصل دارای موارد استثناء نیز است. به‌عنوان مثال، مسکن زن شوهردار تابع انتخاب شوهر و مسکن افرادی که به سن رشد قانونی نرسیده‌اند، توسط والدین یا سرپرست قانونی آنان انتخاب می‌گردد. همچنین برخی کارکنان دولتی مجبور به اقامت در محلی معین برای مدت زمانی خاص می‌باشند. افرادی که به شهر یا مکان خاص، بر اساس قانون به تبعید از محل سکونت محکوم شده باشند و یا صرفاً تبعید شده باشند، نمی‌توانند در شهرهای دیگر سکنی گزینند (مدرسی، ۱۳۹۱، ۴). مسکن افراد نیز مصون از تعرض است. در اصل بیست و دوم قانون اساسی مقرر شده: «حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.»

۱-۴- اصل عدم تعرض به مکاتبات

اصل تعرض ناپذیری مکاتبات و نامه‌های افراد در جهت صیانت و حمایت از زندگی خصوصی افراد است.

این اصل که در جهت حفظ حقوق شهروندی است در اصل بیست و پنجم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و در اصل مزبور چنین آمده: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

۱-۵- اصل ممنوعیت تفتیش عقاید

در مورد آزادی عقیده و آزادی مذهب در قانون اساسی بر اساس آموزه‌های دینی، سه اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم تدوین شده است. در این اصول مذهب و ادیان به رسمیت شناخته شده اعم از اقلیت‌های دینی مسلمان در ایران و همچنین اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در اسلام احصاء شده و برای همه آنان حقوق شهروندی در نظر گرفته شده است. اقلیت‌های مزبور به موجب دو اصل دوازدهم و سیزدهم در انجام مراسم مذهبی و دینی بر طبق تعالیم مذهبی خود آزاد و در احوال شخصی بر طبق تعالیم و آموزه‌های دینی خود عمل می‌نمایند. اصل چهاردهم نیز با استناد به آیه‌ای از آیات قرآن مجید خواستار رفتار توأم با اخلاق حسنه و رعایت عدل و انصاف با تمام شهروندان غیرمسلمان از سوی دولت اسلامی شده است.

۱-۶- اصل حقوق قضایی شهروندی

اصل سی و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: دادخواهی از حقوق مسلم فردی و شهروندی تمام آحاد ملت است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را داراست منع کرد. همچنین حق انتخاب و کیل برای طرفین دعوا در همه دادگاه‌ها در اصل سی و پنجم قانون اساسی پیش‌بینی شده و این حق نیز مهم و مکمل حقوق قضایی شهروندی است.

۱-۷- اصل برائت

این مهم که در اصل سی و هفتم قانون اساسی از آن سخن به میان آمده و کاملاً منطبق با آموزه‌های اسلامی می‌باشد از دیگر حقوق شهروندی مرتبط با حوزه قضایی است. این اصل مقرر می‌دارد: اصل بر برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت

گردد. منع هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع در اصل سی و هشتم و منع هتک حرمت و توهین به کسی که به موجب قانون دستگیر، بازداشت یا زندانی شده از اصول مهم و مترقی پیش‌بینی شده در قانون اساسی و در دفاع از حقوق فردی و انسانی است. در اصل سی و نهم قانون اساسی، متخلفان از رعایت اصل مزبور مجرم و عمل آنان مستوجب مجازات دانسته شده است. قوانین عادی مکمل حقوق شهروندی در ساحت قضایی نیز نباید به گونه‌ای تنظیم شود که با روح و مفاد اصول مزبور مغایر باشد.

۸- اصل آزادی اخبار و اطلاعات

حقوق مربوط به آزادی اخبار و اطلاعات، از مهم‌ترین و عام‌ترین حقوق شهروندی جهت نیل به درست‌ترین و صادقانه‌ترین اطلاعات درخصوص مسائل داخلی و بین‌المللی است. آزادی مطبوعات و ممنوع بودن سانسور از لوازم اصلی تحقق اصل مزبور است. مطبوعات را رکن چهارم نظام دموکراسی یا مردم سالار دانسته‌اند. در اصل بیست و چهارم قانون اساسی از آزادی نشریات و مطبوعات جهت اطلاع‌رسانی به شرط آن که مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد، سخن به میان آمده و تفصیل آن به قوانین عادی مفوض شده است. همچنین در اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی آمده است: در رسانه‌های گروهی رادیو و تلویزیون آزادی انتشارات و تبلیغات، طبق موازین اسلامی باید تأمین شود، البته حفظ مصالح ملی و اخلاق عمومی از یک سو و رعایت اصل اشاعه اطلاعات گاه با چالش‌هایی در عمل مواجه است.

۹-۱- اصل آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

بخش مهمی از حقوق شهروندی در دولت مدرن مربوط به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی است. این مهم در جهان امروز اشکال متنوعی یافته و قوانین اساسی کشورها و قوانین عادی مکمل، حدود و ثغور آن را مشخص نموده است. آزادی تخریب، تشکیل اجتماعات، آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، انتخابات آزاد و غیرفرمایشی از حقوق سیاسی شهروندی در دوران جدید شمرده شده است. قانون اساسی در اصولی برخی از مهم‌ترین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را یادآور شده است. به‌عنوان مثال در مورد فعالیت آزاد احزاب و آزادی‌های سازمانی در اصل بیست و ششم قانون اساسی آمده است: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاداند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و یا اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ

کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. اصل بیست و هفتم قانون اساسی نیز تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را بدون حمل سلاح و به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد شمرده است.

۱۰-۱- اصل حرمت مالکیت

اصل مالکیت یکی از حقوق مهم شهروندی و لازمه رشد و توسعه کشور و اشتغال زایی و ایجاد انگیزه جهت سرمایه‌گذاری جهت نیل به پیشرفت محسوب می‌شود. تملک، انتقال و زوال حق اعم از مادی و غیرمادی از ارکان حقوق مدنی است. این اصل از اصول متقن و اساسی در آموزه‌های فقهی و حقوقی اسلام و پایه مهم در تنظیم روابط اجتماعی و اقتصادی است. اصل حرمت مالکیت مشروع برای تمام شهروندان در قانون اساسی محترم و مقبول شمرده شده است. در اصل چهل و هفتم قانون اساسی مقرر شده مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و ضوابط آن را قانون معین می‌کند. همچنین در این اصل مقرر شده هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید. همچنان که در اصل چهلم قانون اساسی مسئله مهمی مورد توجه قرار گرفته که در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق اقتصادی شهروندان دارای کاربرد است. اصل مزبور مقرر می‌دارد: هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

۱۱-۱- حق تابعیت و تغییر آن

یکی از حقوق شهروندی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته حق تابعیت و تغییر آن است. به عبارت دیگر تغییر تابعیت ملی از مصادیق حقوق بشر در نظام‌های حقوقی بزرگ معاصر قلمداد می‌شود. حق داشتن تابعیت در بند اول ماده ۱۵ و ممنوع بودن سلب خودسرانه تابعیت در بند دوم ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید واقع شده است. قانون اساسی نیز در اصل چهل و یکم مقرر می‌دارد: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او و یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» البته باید توجه داشت که ترک تابعیت یاد شده مربوط به تابعیت ملی و جغرافیایی است، زیرا ترک تابعیت دینی و اعتقادی براساس آموزه‌های اسلامی جرم تلقی می‌گردد که از آن تعبیر به ارتداد می‌گردد.

۲- تحقق دموکراسی و ارتباط آن با حقوق شهروندی

دموکراسی ا جمله اشکال نظام‌های سیاسی است که در آن مردم به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای سرنوشت سیاسی خود تصمیم‌گیری می‌کنند و با تصمیمات خود که در قالب‌های مختلف بیان می‌گردد مسیر و جهت‌گیری حکومت خویش را مشخص می‌سازند. در دموکراسی یا نظام حاکمیت مردم؛ همه باید حکومت کنند؛ به این معنا که همه باید در قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری درباره خط مشی کلی، به کار بستن قوانین و اداره امور حکومت دخالت داشته باشند. همه باید شخصاً در تصمیم‌گیری‌های مهم، یعنی تصمیم‌گیری درباره قوانین عمومی و مسائل مربوط به خط مشی کلی دخیل باشند. حکام باید در مقابل حکومت شوندگان پاسخگو باشند، به عبارت دیگر آن‌ها باید اعمال خود را برای حکومت شوندگان توجیه کنند و حکومت شوندگان بتوانند آن‌ها را کنار بگذارند (دانلی، ۱۳۸۱، ۲۳۵).

لیکن شرایط جامعه بین‌المللی امروز و ارتقای مباحث حقوق بشری و نیاز مردم به مشارکت سیاسی عاملی است که این نظام سیاسی را بیشتر از هر زمان دیگری به‌عنوان نظام مطلوب به مردم جهان معرفی کرده است. دموکراسی نظام سیاسی است که بیشتر از هر نظام دیگری پاسخگوی نیازهای حقوق بشر است. «آمارتیا سن» اقتصاددان، وجود آزادی‌های سیاسی را یکی از برجسته‌ترین مزایای دموکراسی می‌داند. وی معتقد است: هنگامی که ما از اهمیت مستقیم آزادی سیاسی به طرف نقش ابزاری آن حرکت می‌کنیم باید به انگیزه‌های سیاسی که روی حکومت‌ها و اشخاص و گروه‌هایی که بر سر کارند، تأثیر دارند توجه نماییم. حکام در صورتی انگیزه گوش کردن به خواسته‌های مردم را دارند که مجبور به رو به رو شدن با انتقاد آن‌ها و طالب حمایت آنان در انتخابات باشند (سن، ۱۳۸۱، ۱۶۷).

نظام دموکراسی، نظامی است که این خواسته را تأمین می‌نماید. حق تعیین سرنوشت نیز به‌عنوان یکی از حقوق بشر اساسی در همین چهارچوب تقویت می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت که مجموع تحولات فکری و عملی چند دهه گذشته که در ارتباط با اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها و حق مشارکت عمومی اتفاق افتاده منجر به پذیرش اصولی حق تعیین سرنوشت داخلی و یا حق مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی یک کشور توسط همه افراد آن بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها از حیث نژاد، عقیده و رنگ شده است. مطابق این اصل اگر کل یا بخش مشخصی از یک جامعه کراً و به طور سیستماتیک از داشتن سهم واقعی در زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه محروم گردد، اصل تعیین سرنوشت می‌تواند به‌عنوان راه حل مناسبی مورد استناد قرار گیرد. در اینجا مفهوم حق تعیین

سرنوشت به مفهوم دموکراسی نزدیک می‌شود (امیدی، ۱۳۸۵، ۲۳۹).

این که دموکراسی حق آزادی بیان، حق رأی، مشارکت مردمی و در نهایت حق تعیین سرنوشت مردم را تقویت می‌کند، جای سؤال ندارد؛ زیرا از پیش مشخص است که نظام دموکراسی وابسته به مفاهیمی مانند رأی و مشارکت مردم و آزادی بیان آن‌ها در ابراز نظرات سیاسی و غیر سیاسی‌شان است. البته باید توجه داشت که منظور از دموکراسی که موجب تقویت حق تعیین سرنوشت می‌شود، آن دموکراسی است که شرایط شکلی تعریف شده برای دموکراسی را دارا باشد؛ چرخش قدرت در دست مردم، تساهل و تسامح نسبت به اقلیت‌ها و وجود آزادی‌ها از جمله این شرایط هستند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۰، ۱۱۴)، در غیر این صورت نمی‌توان تفاوتی میان نظام دموکراسی و یک نظام اقتدارگرا قائل شد، چنین دموکراسی نه تنها حق تعیین سرنوشت را تقویت نمی‌کند، بلکه موجب تضعیف آن نیز می‌شود. دموکراتیک تنها دستاویزی برای یک نظام به ظاهر دموکراسی و در باطن اقتدارگرا است که خود را در ظاهر تابع قواعد شناخته شده بین‌المللی و همگام با آن‌ها نشان دهد، ولی در باطن همان اقدامات اقتدارگرایانه را انجام دهد. بر این اساس، در ارتباط دموکراسی و حق تعیین سرنوشت باید همواره مدنظر داشت که حق تعیین سرنوشت در هر نظامی قابلیت تحقق دارد؛ زیرا مفهومی است که در نهایت وابسته به میزان رضایتمندی مردم از حاکمیت‌شان بر سرنوشت خود است و هر نظامی می‌تواند این امر را تأمین کند، لیکن ویژگی‌های نظام دموکراسی به شکلی است که اگر به درستی به اجرا در بیاید بهتر از دیگر اشکال حکومتی می‌تواند این هدف را محقق نماید. بنابراین دموکراسی و حق تعیین سرنوشت لزوماً برابر هم نیستند، بلکه دو مفهوم متفاوت هستند که بر روی یکدیگر تأثیر و تأثر دارند.

۳- انتخابات و حق تعیین سرنوشت در راستای حقوق شهروندی

حاکمیت مردم از طریق انتخابات اعمال می‌گردد و به تبع آن، انتخابات نیز با حضور و شرکت مؤثر مردم صورت می‌پذیرد. اهلیت و صلاحیت مردم برای شرکت در انتخابات امری ضروری و عقلایی است. این موضوع را قانون اساسی مورد توجه قرار داده و تعیین شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را با در نظر گرفتن مقتضیات جامعه به قانون‌گذار واگذار کرده است (هاشمی، ۱۳۸۷، ۹۰). انتخابات آزاد و منصفانه مهم‌ترین ابزار مردم‌سالاری و تجلی‌گاه نظر و رأی مردم در عصر حاضر است. وجود انتخابات سالم، شفاف، رقابتی، منصفانه و عادلانه منوط به وجود پیش‌شرط‌هایی مانند تضمین آزادی‌های عمومی، بالارفتن آگاهی‌های عمومی، افکار عمومی خردگرا، احزاب آزاد، قوانین منطقی

انتخاباتی و مجریان آگاه است. ایجاد بخش جرائم و تخلفات در قوانین انتخاباتی نیز یکی از راه‌های پیشگیری (کیفری و اکتشی) است.

در این قلمرو، پیشگیری کیفری نمی‌تواند به تنهایی کارساز باشد. حاکمیت باید در زمینه پیشگیری اجتماعی نیز گام‌هایی نظیر گنجاندن مباحث انتخابات در کتب اجتماعی مدارس و دانشگاه‌ها، اعتمادسازی و مشروعیت بخشی به حکومت، آموزش‌های عمومی از طریق تبلیغات شهری و تلویزیونی، گسترش فرهنگ انتخابات در مدارس و کارگاه‌ها و سندیکاها و دانشگاه‌ها از طریق انتخابی کردن مسئولیت‌ها، تهیه قانون جامع انتخابات و نیز آموزش مجریان و ناظران انتخابات گام بردارد. در زمینه پیشگیری وضعی نیز حاکمیت می‌تواند با تقویت ارگان‌های نظرسنجی علمی جهت آمادگی جامعه به پذیرش نتیجه، سامان‌دهی تبلیغات نامزدها و پایش بینی شرایط خاص با هدف پیشگیری از نزاع‌های احتمالی و تبلیغات تطمیع‌کننده و تدوین نظام رأیگیری مدرن و الکترونیکی در تمام مراحل اعم از ثبت نام، اخذ رأی و شمارش آرا مانع از وقوع جرائم و تخلفات انتخاباتی شود.

نظارت بر انتخابات در پیوند تنگاتنگ با حق بنیادین و انسانی تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی افراد است. این مهم در واقع تیغ دو لبه‌ای است که از یک سو می‌تواند تضمین‌کننده و پاسدار این حق بنیادین باشد و از سوی دیگر، تهدید و تحدیدکننده آن. از همین رو، مسئله مهم نظارت بر انتخابات را باید در پرتو نظریه‌های بنیادی‌تر مرتبط با حق تعیین سرنوشت جستجو کرد. پیامد باور به حق تعیین سرنوشت افراد به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین حق‌های اخلاقی در حوزه حقوق مدنی-سیاسی، طراحی نظامی نظارتی خواهد بود که جهت‌گیری آن به سمت تضمین نهادینه شده حق مزبور و حذف موانع آشکار و نهان در مسیر اعمال این حق توسط شهروندان است. از سوی دیگر، عدم اعتقاد به حق برابر شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود در موضوع انتخابات می‌تواند زمینه‌ساز یک سیستم نظارتی گردد که جهت‌گیری آن هرچه محدودتر کردن حق مزبور و یا حتی انکار واسطه دار و یا پنهان این حق و درنهایت به گونه‌ای انتصابی کردن پست‌های کلیدی نظام‌های حکومتی با قالبی به ظاهر انتخابی خواهد بود.

۴- راه‌های تضمین حقوق شهروندی در آراء و نظرات شورای نگهبان

یکی از نهاد مهم و تأثیرگذار که می‌تواند نقش به‌سزایی در ارتقاء و گسترش حقوق شهروندی داشته باشد، شورای نگهبان است که این نهاد در آرا و نظریات خود، می‌تواند به بحث حقوق شهروندی توجه

ویژه‌ای داشته باشد. یکی از مهم‌ترین ایرادات وارده به شورای نگهبان این است که، نهاد مذکور در مقام حفظ حقوق حاکمیت بوده و حقوق ملت چندان جایگاهی در رد یا تأیید مصوبات نهادهای حاکمیتی ندارند. لذا این شبهه سبب شده است تا استقلال نهاد شورای نگهبان مورد هدف قرار بگیرد. در یک کلام اصل، حمایت از حق مردم در مقابل قدرت است. بنابراین شورای نگهبان در واقع شورای حفظ حقوق و آزادی‌های ملی است نه حفظ قدرت. بنابراین شورای نگهبان اگر در بررسی قوانین و مقررات نیم‌نگاهی به بحث حقوق شهروندی هم داشته باشد وضعیت به مراتب از این بهتر خواهد شد.

در کل می‌توان گفت به غیر از چند آرا و نظرات تفسیری شورای نگهبان در امر بررسی قوانین و مقررات توجه ویژه‌ای به حقوق عامه علی‌الخصوص حقوق شهروندی داشته است که این توجه در تأیید مصوبات در زمینه مسائل و حقوق زنان، تشکیل هیات منصفه، تأیید قانون بازنشستگی جدید، تأیید لایحه جرم سیاسی و... نمود بیشتری پیدا کرده است و بهترین راهکار برای این شورا بررسی قوانین و مقررات با توجه به قانون اساسی و شرع و توجه به اقتضای زمان (شرع امروزی) می‌باشد. شورای نگهبان در بحث بررسی قوانین و مقررات مربوط به حقوق شهروندی باید شرایط حساس جامعه در داخل و خارج را در نظر گرفته و سپس اقدام به صدور رأی و نظر خود نماید.

در مواردی ممکن است در بررسی یک مصوبه در زمینه حقوق شهروندی، شورای نگهبان احساس کند که اگر این مصوبه‌ای که هم موافق قانون اساسی و هم حقوق شهروندی می‌باشد، ولی مصلحت کشور ایجاب می‌کند که این مصوبه مورد تأیید قرار نگیرد، باید شورای نگهبان با توجه به اصل قانون اساسی و حقوق شهروندی این مصوبه را مورد تأیید قرار دهد. همچنین استفاده از نظرات و پیشنهادات صاحب‌نظران و اساتید مطرح کشور در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... یک امر بدیهی و جاافتاده‌ای در همه کشورها می‌باشد. کشور ما نیز از این امر نباید مستثنی شود و دولت‌مردان و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان باید چه در زمان تهیه لوایح و مصوبات و چه در زمان تصویب آن‌ها، از نظریات این افراد بهره ببرند. شورای نگهبان نیز می‌تواند در مواقعی که در حال بررسی مصوبات در زمینه حقوق شهروندی می‌باشد با دعوت از چند صاحب‌نظر در زمینه حقوق شهروندی از نظریات آن‌ها نیز در تأیید و یا رد مصوبات استفاده کند.

شورای نگهبان با توجه به قانون اساسی دارای وظایفی می‌باشد که برعهده این نهاد گذاشته شده و این نهاد حق ندارد که خارج از این وظایف خود اظهار نظر کند و باید آرا و نظرات این شورا، بنابر وظایف

مشخص شده در قانون اساسی باشد و در مواقعی که این شورا با تخطی از دایره محدودده خود به اظهار نظر پرداخته است متأسفانه هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور بازتاب‌های منفی به همراه داشته است.

۵- نقد حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی ایران

تلاش قانون‌گذار اساسی برای مشخص و نهادینه کردن حقوق شهروندان در متن قانون اساسی در دوران معاصر از حیات جمهوری اسلامی ایران را باید گامی اساسی در پیشرفت و توسعه اجتماعی و حکمرانی خوب ارزیابی کرد. البته که صرف نهادینه کردن این حقوق در متون قانونی وافی به مقصود نخواهد بود. تعدادی از اصول قانون اساسی بدون هیچ قیدوشرطی حقوقی را برای شهروندان در نظر گرفته است. مانع اصلی در تحقق این موارد در این امر نهفته شده که پیش‌بینی قانونی لازمه جهت برخورد با اشخاص و دستگاه‌هایی که در ازای اجرای این اصول ممانعت به عمل می‌آورند، وجود ندارد و در واقع می‌توان گفت این اصول فاقد ضمانت اجرایی کافی می‌باشند. اصولی از قانون اساسی ناظر بر حقوق شهروندی افراد است که از جمله شروط اساسی در این دسته از حقوق عدم اختلال به مبانی اسلام، عدم نقض استقلال آزادی و وحدت ملی، عدم مخالفت با اسلام، مصالح عمومی و حقوقی دیگران است.

چالش مهم تحقق این دسته از اصول قانون اساسی عدم تعیین حدود قانونی و کلی و مبهم بودن شروطی است که قانون‌گذار برای این حقوق در نظر گرفته است، همچنین تفسیرهای ارائه شده در مورد واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته که دایره‌های جدیدی از قوانین را باز می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۵۵). به‌عنوان یک مثال بارز می‌توان به موضوع آموزش و پرورش رایگان که در قانون اساسی ذکر شده و در مقابل ایجاد مدارس غیرانتفاعی در جامعه اشاره کرد. در برخی از اصول نیز مرجع تشخیص این اصول معین نشده، یعنی مشخص نشده دستگاه قضایی مسئولیت این امر را برعهده ندارد یا دستگاه‌های اجرایی با صلاحدید و مصلحت‌های مسئولان و مدیران شروط را تشخیص می‌دهند.

نکته دیگر در تحقق حقوق شهروندی که در قانون اساسی بیان شده است را می‌توان در فقدان تدوین قانون موضوع در خصوص آن اصول دانست که جامعه و نظام قضایی را در مواجهه با این اصول با خلاء حقوقی مواجهه می‌کند، زیرا قانون اساسی به ذکر کلیات حقوقی حقوق شهروندان می‌پردازد و نمی‌توان از این قانون انتظار داشت که تمام جزئیات و نحوه برخورد با ناقضان حقوق را در متن قانون اساسی مشخص کند، بلکه این وظیفه قانون‌گذار عادی است که دامنه و گستره این حقوق را مشخص کرده و ضمانت‌های اجرایی برای ناقضان آن در نظر بگیرد. نکته مهم دیگر در این خصوص اجرای قانون در عمل از سوی

دستگاه‌های اجرایی انتظامی و قضایی است. استیفای حقوق شهروندان نیازمند سازوکار و ابزارهای خود می‌باشد، به صورتی که هر شهروندی که حقوق او از ناقضان احقاق کنند و نظم قضائی نیز به گونه‌ای باشد که با استفاده از سازوکارهای مشخص و لازم حقوق از دست رفته شهروند را به او باز گردانند. بنابراین تکلیف دیگر در این زمینه متوجه دستگاه قضایی است که در این خصوص زمینه‌های لازم حمایتی و تحقیق و اجرای حقوق شهروندی را در همه ابعاد فراهم کند. همچنین ایجاد دادگاه مستقل قانون اساسی، جدای از جریانات سیاسی است تا بتواند از تمامیت قانون اساسی حفاظت کند و به آن ضمانت اجرایی ببخشد.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود، اهمیت حقوق شهروندی به حدی است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند و حتی برخی از کارشناسان بر این باورند جامعه‌ای که در آن حقوق شهروندی نهادینه نشده باشد، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل می‌شود. تضمین حقوق اساسی شهروندان در درجه اول با درج این حقوق در قانون اساسی هر کشور اعمال می‌شود. در این راستا قانون اساسی گام مؤثری در فرایند حاکمیت قانون، تضمین آزادی‌ها و برخورداری از امکانات و تحقق شهروندی برخوردار است. بنابراین درج حقوق اساسی شهروندان در قانون اساسی و قوانین عادی، لزوم رعایت این حقوق توسط دستگاه‌های دولتی، وجود مراجع قضایی صالح که رسیدگی به شکایات مردم در مورد پایمال شدن حقوق آن‌ها توسط دستگاه‌های دولتی و نظارت بر دستگاه‌های دولتی را در این خصوص بر عهده دارند، همه از جمله معیارهای اجرا و تضمین حقوق شهروندی در هر جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود.

مشارکت همگانی شهروندان در جامعه افزون بر وجود بسترهای قانونی و بالقوه، نیازمند ایجاد تحول و بازاندیشی در زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، به طوری که مشارکت فعالانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها نخست در میزان آگاهی و شناخت آنان از هویت شهروندی خویش متجلی می‌شود، سپس در مداخله داشتن در اداره همه جانبه امور کشور و سیاست‌گذاری‌های کلان عینیت می‌یابد و تحقق این امر از وظایف دولت است. در کشور ما نیز به دنبال اعتباربخشی به حاکمیت مردم سعی شده است هم در قانون اساسی و هم در منشور حقوق شهروندی از حق تعیین سرنوشت سخن به میان بیاید. گاهی مردم حتی با انتخاب نمایندگان از سوی خود جهت قانون‌گذاری به مقصود مورد نظر خود نخواهند رسید و یا ممکن است با توجه به اطلاعات نادرست در مورد شخص نماینده خود دست به

انتخاب نادرست زده باشند، در این صورت مردم و متخصصان خود با مشارکت مستقیم از طریق همه پرسی می‌توانند در وضع یا حذف برخی قوانینی که می‌تواند هرگونه خللی در پیشبرد اهداف کشور به وجود آورد شرکت کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا، ۱۳۸۸، حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی، **فصلنامه خط اول**، شماره ۸
- اردلان، عیسی؛ یاقوتی، ابراهیم؛ جاوید، محمدجواد، ۱۳۹۹، تضمینات حقوقی آموزش شهروندی در چهارچوب نظام حقوقی ایران، **مجله اخلاق زیستی**، شماره ۳۵.
- امید، علی، ۱۳۸۵، قبض و بسط مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۵.
- پروین، خیرالله و فرج پور اصل مرنندی، علی اصغر، ۱۳۹۴، ریشه‌های حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی در شریعت اسلام، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۸
- جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۹۰، **حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب**، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- خانی، وحید و مظهری، محمد، ۱۳۹۹، بررسی تطبیقی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در قوانین اساسی ایران، **مصر و تونس، پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۵.
- دانلی، جک، ۱۳۸۱، دموکراسی، توسعه و حقوق بشر، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۱.
- دبیرنیا، علیرضا و شجاعی، عبدالسعید، ۱۴۰۰، رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۷۰.
- سن، آمارتیا کومار، ۱۳۸۱، **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه حسین راغفر، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.

- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، **بایسته‌های حقوق اساسی**، چاپ چهل و یکم، تهران، انتشارات میزان.

- مدرسی، محمد، ۱۳۹۱، بررسی مبانی و مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **نخستین همایش ملی فلسفه حقوق با تأکید بر فلسفه حقوق اسلامی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز.

- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۴، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۷، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات میزان.

